بررسی مسأله خلق ماه‌یات در قوس صعود و نزول

شاگرد۹: شما به جای ظهور، لفظ نزول را هم به کار بردید. می‌خواستم ببینم در قوس صعودی نمی‌توان این را تحلیل کرد؟ یعنی آن برآمدن و emargence که رخ می‌دهد، یک فرازی می‌آید که یک صعودی رخ بدهد؛ مثل خلق طبیعت در اعتباریات، آیا غلط است که تعبیر صعود به کار ببریم؟

استاد: شما متصف به صاعد را معین کنید تا جلو برویم. صاعد چیست؟ صاعد را خود پایه می‌گیرید؟

شاگرد۹: این پایه، یک جور روح و نفس الامری درست کند و یک خلق طبیعتی در آن عالم برای خودش بکند. می‌توان به این صورت تصور کرد؟

استاد: پایه بیاید یک خلق طبیعت بکند، نه اینکه یک طبیعت پایین بیاید، این ممکن هست یا نه؟ چندین جلسه راجع به اینکه خلق طبیعت ممکن است یا نه، مباحثه کردیم. آن وقت که بحث می‌کردیم، خیلی امر محالی نبود. اما ظاهرش یک مقدار از ذهن دور می‌آمد. یعنی چه طبایع را خلق کند؟! به یک معنا، مانعی ندارد. یعنی به پایه‌ها می‌گوییم صاعد هستند. یعنی چنان ترکیبها غامض می‌شود که طبایعی که می‌خواهد تأثیرگذار باشد، سبب طبیعتی می‌شود که پدید می‌آید یا آشکار می‌شود؟ شبیه مثل زاء و یاء و دال که شما می‌گویید سه طبیعت ترکیب شده‌اند و طبیعی زید پدید می‌آید یا آشکار می‌شود؟ می‌گفتم تیر می‌زنید و پرده می‌افتد، یا نه، یک چیزی پدید می‌آید؟ زاء و یاء و دال را روی این طبیعت پرده برمی‌دارد؟ یا نه، واقعاً طبیعتی را پدید می‌آورد؟ ما می‌گوییم اول مهر، روز کشاورز است. بحثش نیمه‌کاره مانده بود. خیلی حالت امتناع صریح در ذهنمان نبود. پرونده‌اش مفتوح ماند.

شاگرد۲: تمایلتان به این بود که نمی‌شود.

استاد: بله، به‌خاطر اینکه الآن هم که خلق می‌گوییم، چون عالم نفس الامر واسعی که هست، به قدری گسترده است که سر ما سوت می‌کشد. چون سر ما سوت می‌کشد، برای اینکه خودمان را راحت کنیم، خلق می‌گوییم. و الا اگر قول و قرار بگذاریم که سرمان سوت نکشد، بعد می‌بینیم که مانعی ندارد که بگوییم تیر می‌زنیم و پرده می‌افتد.

شاگرد۹: در تحلیل قوس صعود و تجسم اعمال به چه صورت تعبیر می‌شود؟ بالا هیچ تحرکی نیست و همه چیز همان نمودهای بالا است.

استاد: آقای طباطبایی در جلد هشتم المیزان راجع به السعاده و الشقاوه بحث مفصلی فرمودند. همین را می‌گویند. شاید در رساله الولایه هم هست. می‌فرمایند قوس صعود با قوس نزول تفاوت می‌کند. درست است که نفس از قوس نزول به موطن حیات آمده، اما وقتی برمی‌گردد، یک چیزهایی با خودش می‌برد که در قوس صعود، دقیقاً همان نفس در رده قوس نزول نیست.

شاگرد۹: یک جوری اثبات خلق است. یعنی یک چیزی را اضافه کرده.

استاد: خب آیا خلق هست یا نیست؟ همینجا اگر خلق را معنا کنید، یعنی یک وجودی در اینجا ظهور کند، مانعی ندارد. اما اگر به کل بستر نفس الامر بروید، در اینجا یک طبیعی خلق شده؟ یا نه، باز طبایعی هست که ظهور کرده؟ بله، شما در حدوث، دو طبیعت را به هم ضمیمه کرده‌اید. با ضمیمه کردن و قرض گرفتن از طبیعی الترتیب، طبیعت خلق می‌شد. اما برای قوس صعود قطعا آن نیست. چرا؟ چون ما با طبیعی ترتیب، دو طبیعت را به هم وصل نمی‌کنیم، بلکه با وجود مرتب، مصداق دو طبیعی را به هم وصل می‌کنیم. اینجا است که حرف آقای طباطبایی مانعی ندارد که بگوییم در قوص صعود، نفس یک چیزهایی دارد که در قوس نزول نداشت. اما در بحث طبایع که فرد نیست و ما دو طبیعت را با طبیعی ترتب و اوردینال بودن، رابطه می‌دهیم. ما این رابطه را با طبیعی برقرار می‌کنیم. اینجا هم خلق کرده‌ایم یا نه؟ بنابراین در قوس صعود که سر و کار ما با وجود و عدم بود، تفاوت می‌کند با جایی که در محدوده خود طبایع هستیم. مثلاً در ریاضیات، انواع و اقسام عددهایی که فرض می‌گیریم، داریم از یک حقیقت ریاضی پرده برمی‌داریم؟ یا داریم با جولان‌های ذهن یک ریاضیدان، طبیعی یک عددی را خلق می‌کنیم؟ این با قوس صعود فرق می‌کند. آنجا وجود بود و داشت یکی کاری می‌کرد که در موطن وجود، فرد دو طبیعت را با ربط خارجی فردی، ربط می‌داد و نفس، بالاتر می‌رفت، به خلاف آنجایی که عقل، دو طبیعت را با طبیعی ترتیب وصل می‌کند، در اینجا اگر بگوییم یک طبیعت خلق شد؛ اینجا مسلم نیست و شاید تفاوت باشد.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #3
ایجاد شده 22 آوریل 2025 13:59:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 آوریل 2025 14:06:39 توسط ... .